



۲۰۱۴/۱۱/۲۵

ف، هیرمند

اغماض در برابر حقوق اساسی مردم

ابراز نظر در وضعیت کنونی واقعاً کار دشواری است، دشوار به این خاطر که نخست با ابراز حقیقت، برچسپ تفرقه افگنی در دولت «وحدت ملی»، بر مرجع و شخص ابراز نظر کننده وارد خواهد گردید، دوم احتمالاً ابراز نظر در مورد حالت گنگ فعلی، چکش برچسپ جانبداری از این یا آن «تیم» را نیز بر فرق خود متحمل خواهد شد و سوم اینکه محک های سنجش حق و باطل نیز در مرحله کنونی به نحوی زیر سؤال قرار داده شده اند، یعنی اگر ما امری را از حکومت توقع کنیم، این توقع را به کدام محک و معیاری اتکا بدهیم؛ بزرگان ما هم زمانی که بر موضوعی ابراز نظر می فرمایند، به اسناد سیاسی استناد می ورزند که تا هنوز پایه های قانونی آن، طور باید، کانکریت ریزی نگر دیده است.

اما علی الرغم این ها باز هم در قانون اساسی افغانستان موادی وجود دارند که به فضل خداوند ج تا هنوز نقض و منسوخ نشده اند، متکی به همین مواد، آرمان ها و ارزش های بنیادی نظام مردم سالار را در امور اساسی که امروز اجرای آن مطمع نظر است، باید به مقامات خاطر نشان ساخته و مسؤولیت ها و مکلفیت های شان را به آنان یاددهانی نمود تا نشود به سبب جنجال های عدیده صرفاً سیاسی، خدای ناخواسته کار و وظایف اصلی آنان فراموش ایشان شده باشد.

به خاطر باید داشته باشند که ما دیگر در زمانی به سر نمی بریم که «دولت» صرف قدرت و مرجع حاکمیت بر قلمرو و آدم های آن باشد، ما در عصری زندگی نمی کنیم که «دولت» تنها خود را ملاح کشتی سرنوشت یک کشور و مردم آن بشمارد، در دوران کنونی دولت را مالک دانستن و مردم جامعه را مایملک آن تصور نمودن جز یک فکاهی بی مزه چیز دیگری نمی تواند بود، در این زمان دولت ها هر اعتبار و حیثیتی اگر رویهم کنند به برکت تأیید اصولی مردم کشور شان می باشد، مردم ما نیک فرموده اند که: «از زور کاکاست که انگور در تاک هاست» آری در زمان ما هر اعتبار و حیثیت دولت، از اندازه مردمی بودن آن می آید، درجه بلند مردمی بودن، به سیاست مداران به قدرت رسیده، حیثیت بیشتر و بیشتر نصیب می کند. گرچه کاربرد اصطلاحات زیاد اخلاقی و معنوی مانند «حیثیت» رواج رژیم های ایدیولوژیک و آرمان گرا است، تأکید این نگارش بالای «حیثیت» صرف با در نظر داشت منافع مردم بوده است، خلاصه اینکه وقتی از حیثیت دولتی نام برده می شود، منظور بیشتر از حیثیت سیاستمداران و دولتمردان آن خواهد بود. بعضاً دولتمردان حيله گر هرچه که خیر و مفاد خود ایشان باشد آنرا در جامه کلمات منفعت های عمومی بسته بندی می کنند، یعنی از کلمات و لغات مانند حیثیت دولت و آبروی مردم وقار وطن استفاده ابزاری به عمل می آورند، تاریخ نشان داده است که بی اعتبار ترین و کم بها ترین دولتمردان همان های بوده اند که نه از مسیر صداقت و اصولی بلکه از مسیر حيله در جست و جوی مشروعیت و مرتبتهای بر آمده اند. به هر ترتیب این حاشیه های جالب، ما را از اصل موضوع دور نخواهد برد.

حال تقویض قدرت دولتی به سیاست مداران از طرف مردم و بخشیدن حیثیت و اعتبار به دولتمردان باز هم از طرف مردم، مگر مفت و رایگان است؟؟، من از آن پرداخت های جنسی و نقدی که برای دریافت آرای معصوم عده ای از مردم ما تأدیه گردیده است، صحبت نمی کنم، منظور من بهای کاملاً حلال و قانونی به قدرت رسانیدن و دادن حیثیت به دولتمردان می باشد.

بحث بر سر این مسأله است که مگر به قدرت رسانی سیاستمداران تا سطح دولتمردان منجانب مردم، مفت و رایگان است؟؟ بدانیم که دیموکراسی تنها مردم سالاری نیست، بلکه حکومت برای مردم هم است، یعنی حکومت کردن برای خود دولتمرد نیست، در دیموکراسی حکومت کننده، ملازم و خادم حکومت شونده شناخته می شود، به همین اساس است که حکومت شوندهگان در برابر رأی دادن ایشان، چیز یا چیزهایی می خواهند و آن چیز ها، عبارت از ادای مکلفیت ها، وظایف، تعهدات و مسؤولیت هایی است که در ازای به قدرت رسانی باید برای وطن و مردم و نیرومندی هرچه بیشتر نظام، بر اساس احکام قانون اساسی به اجرا درآیند، تقلا های یک تمایل در داخل دولت برای استحکام صرف همان تمایل، هرگز به مثابه اجرای امور ذکر شده نخواهد بود، هر آنچه که فراتر از مفاد قانون اساسی توسط دولتمردان حاکم، به اجراء درآید، در ردیف وظایف مورد بحث شمرده نخواهد شد.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

اگر در اینجا تمام وجائب دولتمردان را که قانون اساسی بر دوش آنان گذاشته است برشماریم، خواهند گفت «اشتهایت بند!! است» اما صرف یکی دو تا از آن وجیبه ها و مکلفیت ها را که مشخصه نظام های مردم سالار امروز است، مورد مذاقه و تدقیق قرار می دهیم که تا چه حد و اندازه به آن توجه شده و یا لااقل در کجای اجندای دولت «وحدت ملی» قرار دارد:

اول: خدمات عمومی یا **service publique**: مقصد ما از این خدمات عمومی همان ملازمت هایی است که از مکلفیت های اساسی دولت محسوب شده و این خدمات را جهت خدمت به مردم تعمیم می نماید، دائره این خدمات امروزه چنان وسیع شده است که این تصور به انسان دست می دهد که مگر کدام وظیفه دیگر هم، برون از این دائره باقی خواهد ماند؟؟ در زمره خدمات عمومی کلاسیک میتوان از تامین شرایط بهتر کار و زندگی، مواظبت از وضعیت صحت عامه، تحصیل، بهبود شرایط زندگی اتباع، فراهم نمودن وضعیت و شرایط سهل دسترسی اتباع به اداره و مامورین و کارمندان خدمات عامه، مجانی بودن خدمات عمومی که اصولاً رایگان هستند، اداره فارغ از فساد و اعمال نفوذ، اعمار و مراقبت راه های عامه، شرایط راحتی و امنیت عمومی و... نام برد، دولت ها در هر حالی مکلف اند برای اجرا و تعمیم این وظایف خویش، اولویت و ارجحیت دهند، هیچ امر و وظیفه دیگر به جز خطر به تمامیت ارضی و وجود کشور، نمی تواند این وظایف را در درجه های بعدی قرار دهد، اداره خدمت گزار مردم و آزاد از توهم سیاست، کارش را تا جور آمدن سیاسیون ملتوی و متوقف نمی سازد، چنین اداره در یک ثبات مخصوصاً قانونی میتواند به وجود آید، مؤثر باشد و دوام نماید، اداره آزاد از آسیب های سیاسی، خدمات همگانی برای مردم را از مد و جزر سیاسی در امان نگه خواهد نمود و مسؤول یا مسؤلیتی خواهد داشت که غیر سیاسی و غیر جانبدار خواهند بود، این مسؤولین متخصص، همیشه در امور، بر اساس قوانین پاسخگویی خواهند داشت. دولت ها به خصوص به دلیل و بهانه معضلات داخلی یا ذات البینی دولتمردان حق ندارند، خدمات عمومی را برای مردم به التوا و یا توقف قرار دهند، حکومت ها نمی توانند و نباید به نام اینکه تا حال توافق نامه های ائتلاف ایشان را به منصفه عمل نیاورده اند، مردم را در بی سرنوشتی، تعلل امور و هرج و مرج اداری مواجه سازند، حکومت ها باید بدانند که به جز اولویت اجرا و تحقق خدمات عمومی به شهروندان، طبق مفاد قانون اساسی، تحقق و تطبیق هیچ اقدام و ترتیباتی، ارجحیت و اولویت ندارد و نه باید داشته باشد،

پراگراف اول ماده پنجاهم قانون اساسی افغانستان مشعر است: «دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید.

اداره، اجراءات خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد.»

توجه داشته باشیم که این ماده در فصل دوم تحت عنوان «حقوق اساسی و وجائب اتباع» درج شده است و این محل ماده، به ما می رساند که داشتن «اداره سالم» و «بیطرف» که «اجراءات خود را مطابق به قانون عملی بسازد.» جز حقوق اساسی مردم می باشد و لذا می توان اظهار نمود که تحمیل التوا و توقف غیر قانونی کار اداره و فراهم سازی انارشی، تبدیلی، هرج و مرج و ایجاد بستر مناسب برای فساد و عادی جلوه دادن اعمال نفوذ، ترویج ایده منفعت جویی سیاسی در اداره و ذهنیت عامه، تقدم به امیال سیاسی سیاست مردان نوبه دوران رسیده، تلقین و تبلیغ چند پارچگی در داخل دولت، نسبت به رعایت و احقاق حق مردم ما، نقض صریح حقوق اتباع و نقض احکام قانون اساسی شمرده می شود

گرچه در وطن ما افغانستان توجه و حس مسؤولیت برای اجرای خدمات عمومی در فرهنگ سیاسیون ما کمتر رواج داشته است و بیشتر حکمروایان و دولتمردان صرف به اربابیت و آقایی عادت داشته اند و در عین حال خواسته اند تا تمام شریان های حیاتی «رعیت» را در دست داشته و حقوق مردم را به نام خیرات و الطاف عالی جنابان به سوی مردم پرتاب کنند و وجوه مربوط را یا به مصارف گزاف و غیر منصفانه دسترخوان خویش اختصاص دهند و یا خود و یا گماشته گان ایشان به وجوه تخصیص یافته به آن عرصه ها، دستبرد بزنند و شاید به همین دلایل بوده که هیچ وقتی به «اداره خدمات عمومی مستقل از سرمداری سیاست»، تن در نه داده اند، در ممالکی که گرایش های سیاسی نامردمی نیرومند باشند، سیاسیون محیل اداره را در ید خود میگیرند در آن جا ها حقوق مردم را که دریافت سهل و قانونی خدمات عمومی و اداره سالم و فعال باشد، زیر پا میکنند، تا مردم را به همان قصه معروف «مرغ و دانه» گرسنه نگه دارند و از شکم سیر ستمدیدگان بهراسند.

و باز بعضاً شنیده می شود که: همینکه قانون تعدیل شد همه مشکلات حل می شود، توضیح شود که اگر دولتی تا این حد «دموکراتیک!!» باشد که هر سیاستمداری که به قدرت رسید دست به تجدید و تعدیل قوانین بزند و نظام و اداره را از بیخ و بن بکند و نهالک دیگری به جایش غرس کند، الله و العالم که برای مردم «جو لغمان برسد». در

همچو وضعیت ها، اداره ای که در زیر چتر سیاست راه می پیماید و مستقل از تحولات سیاسی نیست، فلج می گردد و توان بی تحرکی آنرا مردم ستمدیده ما همان طور که همین حالا می پردازند، خواهند پرداخت. دوم: اصل شایسته سالاری: این اصل که در کشور های پیشرفته محصولی از پروفیسینولیزم برای انکشاف و توسعه شناخته شده است، رعایت آن لازمه از آن دارد که نخبگان هر رشته و مسلک در پست پر مسؤلیت و حائز صلاحیت های جدی همان مسلک استخدام شوند، لغت «شایسته» صرف محتوای مفهوم آگاهی تخصصی نیست بلکه لازمه های دیگری را نیز حمل میکند، مانند اخلاق و سلوک همان مسلک، جمع داشتن شهرت نیک در عرصه اخلاق عمومی، جمع دلسوزی و پابندی به خیر عمومی وطن، جمع نه داشتن سابقه جرمی و سایر شرایط ضروری که پیشبرد وظایف هر پست و تخصص ایجاب آنرا بنماید، از نظر من اینها مجموعاً مرکبه شایستگی را تکمیل خواهند کرد. سرو پا شکستن برای به دست آوردن هر چه بیشتر پست های دولتی و استخدام افراد در آن پست ها، اگر به دور از این ضابطه ها بوده و صرفاً سیاسی باشد، حائز مشروعیت لازم و همسان با ارزش های اداری و کادری مندرج در قانون اساسی نخواهد بود، چون که «اداره سالم» مقتضی همان شرایطی است که در بالا برشمردیم، توجه به این اصل ما را معطوف به این امر می سازد که نمی شود، هر فردی را که در ساحه همان رشته تخصص و آگاهی ندارد در کدام پست آن شق نصب نمود. تحقق اصل شایسته سالاری کدر ها را از انقیاد های قومی، تنظیمی، «تیمی» و... آزاد می سازد

اما اوضاع دود کرده و پُر بغض کنونی زمزمه نفیر غیرمحمتمل بودن آرزوی «اداره سالم» را به گوش میرساند، چرا که در وضع کنونی حتی به سیاست و نمایش هم اگر شده در موضوعات مربوط به منافع، خیر و رفاه مردم به آن شفافیت و خلوصی که باید، ذکری نمی شود، یعنی ما باز در برابر چنان یک درام پُر از دلهره و نگران کننده قرار خواهیم داشت که به جز «امور سیاسی!!» آنها سیاست های خود محورانه، در آن برای مردم جای و محلی وجود نخواهد داشت، در سیاست ها و سیاست کردن ها مردم بیچاره ما جایگاهی ندارند، دیرپست که مردم ما در این مکتب غیر حاضر دائمی محسوب شده اند.

در نتیجه سیاست به طور ناشیانه و بی رحمانه در حوزه حقوق اساسی مردم در یورش است، حس می شود که سیاسیون ما با تجارب غیر سیاسی گذشته خود برای سلطه جویی در نظام دیموکراتیک شکننده و آسیب دیده موجود در حال نفوذ اند و هراس وجود دارد که این نظام دیموکراتیک به شکل و ماهیت گسترده زخم های عمیق تری بردارد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ